

توسعه دارایی مبنای رهیافتی مؤثر در حل معضلات سکونتی محلات شهری

نویسندگان: دکتر شریف مطوف (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)
زهره رحیمی (کارشناس ارشد شهرسازی)

چکیده

این مقاله به بررسی ابعاد مختلف رویکرد دارایی مبنای در پی بازشناسی ظرفیتهای موجود در سطوح پایین تر برنامه ریزی شهری به وجود آمده می پردازد. البته هدف در این مقاله توجه دادن به این مسئله است که استفاده از دارایی های محلی و توجه ویژه به نقاط قوت موجود در کنار شناسایی کمبودها و نیازها، پیشبرد اهداف طرحهای توسعه شهری را با موفقیت بیشتری همراه خواهد کرد. دارایی های محلی ظرفیتهای بالقوه ای هستند که در هر اجتماعی وجود داشته و به عنوان ابزار توسعه محسوب می شوند. سرمایه اجتماعی در این رویکرد یک دارایی مهم است از جمله این سرمایه ها می توان به مشارکت و ارتباطات در شبکه های محلی اشاره کرد. لحاظ کردن این دارایی ها در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت شهری راهگشای بسیاری از مشکلات و کسب نتایج موفقیت آمیز در این زمینه است. در مقاله حاضر به بررسی دارایی های محلی، ویژگی های توسعه دارایی مبنای، فرایند و ابزارهای اجرایی آن از دیدگاه صاحب نظران آن پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: اجتماع محلی، توسعه دارایی مبنای، ظرفیت، سرمایه اجتماعی، مشارکت محلی

مقدمه

لذا توسعه دارایی مبنای اجتماعات محلی^۴ (ABCD) سعی بر آن دارد با شناسایی، تقویت و بهره برداری ظرفیتهای محلی و لحاظ کردن نقش همه بهره وران به اهداف خود دست یابد. به عبارتی توسعه دارایی مبنای و راهکارهای عملی آن به عنوان ابزاری در برنامه ریزی و مدیریت شهری عمل می کنند که فرایند دستیابی به طرحهای کارآمد و در نهایت توسعه پایدار شهری را با سهولت و موفقیت بیشتری همراه می سازد زیرا تجارب متعدد طرحهای توسعه شهری در کشورهای مختلف و طی دوره های زمانی گذشته نشان داده تا زمانی که ظرفیتهای درونی در کنار نیازها دیده نشوند این طرحها در دستیابی به اهداف خود توفیق چندانی حاصل نخواهند کرد. به عبارتی توجه صرف به کمبودها امکان هر گونه نوآوری در روشهای برنامه ریزی و مدیریت را سلب می کند. با توجه به شرایط نا مطلوب پیش گفته که در ایران نیز قابل لمس

امروزه با آشکار شدن نتایج ضعیف راهکارهای تجویزی و دولت محور طرحهای توسعه شهری توجه دولتها به سطوح پایین تر برنامه ریزی و مدیریت و ابعاد ملموس زندگی شهری جلب شده است. بدین ترتیب مفاهیم محله ای و بهره برداری از پتانسیلهای اجتماع محلی^۱ مورد توجه متخصصین و مسئولین قرار گرفته است. از جمله این نگرشهای جدید رویکرد دارایی مبنای^۲ به توسعه اجتماعات محلی است. از آنجا که دولتها همه ابزارهای توسعه را در اختیار ندارند استفاده از ظرفیتهای^۳ موجود در سطوح پایین تر برنامه ریزی ضرورت پیدا می کند. از طرفی صرف توجه به نیازها و کمبودهای اجتماعات محلی و ساکنان آنها تنها موجب حفظ وضعیت موجود شده و امکان برداشتن گامهای رو به جلو و مؤثر در راستای دستیابی به توسعه پایدار شهری را تضعیف می سازد.

است تدوین راهکارهایی که مسئولین را برای برون رفت از این مشکلات یاری کند، ضروری به نظر می‌رسد. لذا بررسی نظریه‌ها و رویکردهای اخیر در این زمینه از سوی جامعه علمی کشور و انتقال این مقولات به بخشهای اجرایی راه را برای دستیابی به یک نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری کارآمد هموار می‌سازد.

مفاهیم پایه

اجتماع محلی

داریوش آشوری برای واژه Community معادل باهمستان را پیشنهاد کرده است. در بعضی از موارد هم از معادلهایی چون محله و اجتماع محلی نیز به تناسب استفاده می‌شود.^۵

نیک ویت (2000) کلمه Community را چنین تعریف کرده است: گروهی از مردم که علایق و منافع مشترک دارند و در یک محدوده جغرافیایی تعریف شده زندگی می‌کنند. نبیل حمدی^۶ (1997) اشاره می‌کند که واژه Community دارای دو بعد مکانی و اجتماعی است و به طور کلی مردم در اجتماع محلی برای دستیابی به اهداف مشترک گرد هم می‌آیند حتی اگر تفاوت‌های خاص داشته باشند.

جان لنگ^۸ در بررسی خود راجع به مفاهیم اجتماع محلی و واحد همسایگی در طراحی شهری، اجتماع محلی را برای اشاره به شبکه‌ای از روابط متقابل شخصی یا گروهی به کار می‌برد و واحد همسایگی را به ناحیه جغرافیایی خاص منسوب می‌کند.

ملوین وبر^۹ معتقد است اجتماع محلی و منطقه شهری همواره متعلق به مکانی خاص در شهر تلقی شده‌اند اما در مورد اجتماع محلی اکنون «وجود روابط مشترک» به جای نزدیکی فضایی شرط لازم برای پیوستگی آن به شمار می‌رود. (برک پور، ۱۳۸۷: ۴۰)

اسرائیل و همکاران^{۱۰} (1994) عناصر یک باهمستان را حس تعلق، نظام نمادی مشترک، ارزشهای مشترک، تاثیرات دوسویه، نیازهای مشترک و التزام به برآوردن این نیازها و یک پیشینه (تاریخ) مشترک می‌دانند. (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۰)

ظرفیت

تعاریف فراوانی از ظرفیت وجود دارد از جمله:

■ ظرفیت عبارتست از قابلیت‌ها، مهارت‌ها، درک‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، روابط، رفتارها، انگیزه‌ها، منابع و شرایطی که اشخاص، سازمانها، شبکه‌ها، بخشها و سیستمهای اجتماعی فراگیرتر را جهت انجام کارکردها و دستیابی به اهداف توسعه‌شان در طول زمان توانا می‌سازد. (Mitrofanova, 2004)

■ ظرفیت (اجتماع محلی)، دارایی‌های مالی، کالبدی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. مباحث مربوط به اجتماع محلی نوعاً سرمایه اجتماعی و کالبدی را شامل می‌شود. (عارفی، ۲۲: ۱۳۸۰)

■ ظرفیت محلی توانایی جمعی ساکنان برای واکنش نشان دادن به فشارهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی و ایجاد و تقویت فرصتها و دیدن سرمایه‌های محلی در کنار نیازهای محلی است. (Enzer 2007)

جهت گیری‌ها در توسعه اجتماعات محلی

در پی نابسامانی‌های به وجود آمده در محلات قدیمی تر شهرهای آمریکایی طی دو دهه آخر قرن بیستم دور راه حل با دوروش متفاوت پیش گرفته شد:

رویکرد نیاز مبنا^{۱۱}

این رویکرد سنتی با تمرکز بر نیازها، کاستی‌ها و مشکلات یک اجتماع محلی آغاز می‌شود.

در رویکرد نیاز مبنا معضلاتی که در محلات کم درآمد و نابسامان شهری وجود دارد تمام حقایق موجود در آنها تلقی می‌شود. نتایجی که از محور قرار گرفتن نقشه نیازها در این رویکرد حاصل می‌شود عبارتند از:

■ دیدن امور اجتماع محلی به عنوان لیستی از مشکلات و نیازها و وجود رهبرانی که مستقیماً برای تهیه راه حل تلاش می‌کنند.
■ هدف گیری منابع براساس نقشه نیازها، بودجه و امکانات مالی را به جای ساکنان به سمت فراهم کنندگان خدمات هدایت می‌کند.

■ فراهم کردن منابع براساس نقشه نیازها بر این امر تاکید می‌کند که فقط کارشناسان خارجی می‌توانند راهکار اصلی را تعیین کنند. بدین ترتیب روابطی که باعث دخالت عوامل خارجی می‌شوند اهمیت پیدا می‌کند نه روابط هم محله‌ای‌ها با هم.

■ این اتکا به نقشه نیازها باعث عمیق تر شدن چرخه وابستگی خواهد شد. و این باور برای ساکنان ایجاد می‌شود که کیفیت بهتر زندگی شان به «مشرتی^{۱۲}» بودنشان وابسته است.

■ چون استراتژی نیاز مبنا فقط می‌تواند بقاء را تضمین نماید و از آنجا که انرژی تمام اجتماع محلی را مورد استفاده قرار نمی‌دهد هرگز منجر به تغییر جدی یا توسعه اجتماع محلی نخواهد شد.

(Kretzman & Mcknight, 1993)

این نتایج منفی ناکارآمدی رویکرد نیاز مبنا را به تدریج نمایان ساخت

و زمینه را برای توجه به توسعه متمرکز بر اساس ظرفیتها و دارایی‌های اجتماع محلی فراهم کرد.

توسعه دارایی مبنا

توسعه دارایی مبنا یا توسعه مبتنی بر ظرفیت، بر اعتقاد به کشف دارایی‌ها و ظرفیتها، و فرصتهای اجتماع محلی مبتنی است. کرتزمن و مک نایت (۱۹۹۳) توسعه دارایی مبنا را اجتماع محلی (تحت عنوان ABCD) را به عنوان راهی برای حل مشکلات ناشی از رویکرد نیاز مبنا در جامعه شهری آمریکا مطرح کرده‌اند. (Mathie & Cunningham, 2002:4)

این تغییر رویکرد به این دلیل حاصل شد که همه شواهد تاریخی نشان می‌دهد توسعه معنی دار اجتماع محلی فقط هنگامی رخ می‌دهد که ساکنان متعهد سرمایه گذاری بر روی خودشان و منابعشان شوند. این نگرش توضیح می‌دهد که چرا به رغم تاثیر مثبت کمکهای خارجی در توسعه دارایی‌ها، اجتماعات محلی هرگز با روند بالا به پایین^{۱۳} و از بیرون به درون^{۱۴} ساخته نمی‌شوند. اکنون دست اندرکاران توسعه محلات شهری دریافته‌اند که تلاشها باید بر پایه درک «نقشه‌ای» از دارایی‌ها، ظرفیتها و توانایی‌های محلی انجام گیرد. کلید احیای محلی شناسایی همه دارایی‌های محلی و سازماندهی آنها است. (Kretzman & McKnight, 1993)

رویکرد دارایی مبنا

ویژگی‌های رویکرد دارایی مبنا

عارفی (۱۳۸۰) در تفاوت رویکرد دارایی مبنا با نیاز مبنا چنین توضیح می‌دهد:

۱) دیدگاه دارایی مبنا به جای تأکید بر پیامد، فرایند^{۱۵} است زیرا با بسیج دارایی‌های محلی نظیر سرمایه اجتماعی^{۱۶} و سرمایه کالبدی، نه لزوماً آنچه که اجتماع محلی نیاز دارد، موجب ظرفیت سازی می‌شود.

۲) به دلیل بسیج دارایی‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی، جامع نگر است.

۳) واجد اهمیت ابزاری است، زیرا سرمایه اجتماعی و کالبدی را به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به کار می‌برد. این دو عوامل شتاب دهنده برای ظرفیت سازی هستند و از این رو ابزاری برای دیگر اهداف به شمار می‌آیند.

بر خلاف آن، رویکرد نیاز مبنا، پیامد^{۱۷} است و استحقاق^{۱۸} را به خودی خود یک هدف قلمداد می‌کند و از این رو اهمیت درونی

(ماهوی) دارد؛ همچنین به دلیل آن که نشانه‌های فقر را به عنوان نارسایی‌هایی تلقی می‌کند که باید آنها را به طور جدی از هم در نظر گرفت و بین رفاه مردم و مکان تمایز قائل می‌شود، مقوله‌ای است در نتیجه هم پیوندی و پویایی مسائل اجتماع محلی را نادیده می‌گیرد. و بالاخره اهمیت درونی (ماهوی) دارد، زیرا تک تک اهداف به خودی خود یک هدف به شمار می‌آیند. (عارفی، ۲۱: ۱۳۸۰، ۲۲، ۳۰) مٹی و کانینگام (۲۰۰۲) ویژگی‌های زیر را برای توسعه دارایی مبنا را اجتماعات محلی بر می‌شمرند:

■ ABCD یک رویکرد دارایی مبناست که به منظور ایجاد هر گونه تغییر با هدف توسعه از روشهایی که مبتنی بر شناسایی و ترسیم نقاط قوت یک اجتماع محلی است به عنوان نقطه آغاز تغییر استفاده می‌کند.

■ در میان همه دارایی‌هایی که در اجتماع محلی وجود دارد ABCD توجه خاصی به دارایی‌هایی دارد که به طور ذاتی در روابط اجتماعی، شبکه‌ها، و انجمنها و مشارکتهای رسمی و غیر رسمی وجود دارند که به عنوان سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند.

■ ABCD بر اصول توسعه رویکردهای مشارکتی^{۱۹} مبتنی است که در آنها مشارکت فعال و توانمندسازی اصول عملیاتی هستند.

■ ABCD راهبردی در جهت توسعه اقتصادی پایدار است که از اجتماعات محلی نشات می‌گیرد.

■ ABCD به عنوان یک استراتژی برای توسعه اقتصادی پایدار بر ارتباطات میان بازیگران کلان در بخش خصوصی و عمومی تکیه دارد. برای تقویت این ارتباطات ABCD تعهد شهروندی فعال را تقویت می‌کند، دستیابی به خدمات و کالاهای عمومی و پاسخگویی حکومت محلی را تضمین می‌کند. بنابراین ABCD هم از جامعه مدنی سود می‌برد و هم به آن سود می‌رساند. (Mathie & Cunningham, 2002:8)

دارایی‌های محلی

کرتزمن و مک نایت (۱۹۹۳) معتقدند دارایی‌های یک اجتماع محلی اشخاص^{۲۰}، انجمنها^{۲۱} و نهادها^{۲۲} هستند:

هر اجتماع محلی مجموعه‌ای از دارایی‌ها را در اختیار دارد که آینده آن را می‌سازد. نقشه‌ای از این مهارتها و ظرفیتها تهیه می‌شود. تهیه کنندگان نقشه ظرفیت مجموعه‌ای از استعدادها و مهارتهای مولد را با هدف ساخت اجتماع محلی کشف خواهند کرد. بدین ترتیب افرادی که تا کنون به دلیل ناتوانی‌های متفاوت در حاشیه اجتماع و

دریافت کننده کمک بودند اکنون به عنوان یاری رسانهای فرایند ساخت اجتماع محلی تلقی می‌شوند.

علاوه بر نقشه استعدادها و مهارتهای افراد، مسئولین توسعه محله‌ای فهرستی از انجمنهای شهروندی تهیه می‌کنند. شهروندان به منظور حل مشکلات، تسهیم فعالیتها و منافع مشترک در این انجمنهای مشارکتی با اهداف متفاوت فرهنگی، ورزشی، مذهبی گرد هم می‌آیند.

در کنار افراد و انجمنهای محلی نهادهایی نیز وجود دارند که بخش عینی بافت اجتماع محلی را تشکیل می‌دهند مانند مؤسسات تجاری، نهادهای عمومی مانند مدارس، کتابخانه‌ها، پارکها، ایستگاه‌های آتش نشانی، مؤسسات غیرانتفاعی مانند بیمارستانها و مراکز خدمات اجتماعی. (Kretzman & Mcnigh, 1993)

میتروفانوا (2004) ظرفیتهایی را که برای بهبود کیفیت زندگی محلات وجود دارند شامل موارد زیر می‌داند:

- مردمی که تمایل دارند در انجام امور دخالت داده شوند / مشارکت شهروندی
- مهارتها، دانش و توانایی‌ها
- تنوع محلی
- درک تاریخ اجتماع محلی / ارزشهای محلی
- توانایی شناسایی و دستیابی به فرصتها
- انگیزه برای انجام خلاقیت
- زیرساختها، نهادهای پشتیبان و منابع فیزیکی
- منابع مالی و اقتصادی
- رهبری محلی^{۲۳}
- همکاری درون سازمانی / شبکه‌های اجتماعی
- شراکت بین سازمانها، مردم، سرمایه‌گذاران و «ظرفیت سازان»
- انعطاف‌پذیری و استفاده از رویکردهای متفاوت. (Mitrofanova, 2004)

فرایند توسعه دارایی مبنا

فرایند توسعه دارایی مبناي اجتماعات محلی با ۳ مشخصه زیر تعریف می‌شود:

- استراتژی توسعه اجتماع محلی با این پرسش آغاز می‌شود که در حال حاضر چه چیزی در اجتماع محلی وجود دارد و ظرفیتهای ساکنان و شاغلان آن کدامند؟ نه اینکه چه چیزی وجود ندارد و چه چیزی مشکل ساز است یا نیازهای اجتماع محلی چه چیزهایی هستند.

■ فرایند توسعه اجتماع محلی با رویکرد دارایی مبنا ملزم به تمرکز داخلی است. البته این به معنی کوچک شمردن کمکهای خارجی یا نادیده گرفتن نیاز به جذب منابع اضافی نیست. بلکه این تمرکز داخلی بر اولویت تعریف محلی از مشکلات موجود و راهکارهای توسعه، سرمایه‌گذاری محلی، خلاقیت و کنترل محلی تاکید می‌کند.

■ اگر فرایند توسعه اجتماع محلی دارای مبنا و متمرکز بر داخل باشد در آن صورت به میزان زیادی بر مبنای ارتباطات اجتماعی خواهد بود.

بنابراین یکی از چالشهای اصلی پیش روی توسعه دهنده گان محلی، ساخت و دوباره سازی روابط میان ساکنین محلی، انجمنها و نهادهای محلی است

(Kretzman & Mcnigh, 1993)

کرتزمن و مک نایت (1993) مراحل که فرایند ABCD را تسهیل می‌کند چنین پیشنهاد کردند:

- جمع‌آوری تجربیات در مورد موفقیت‌های اجتماع محلی و شناسایی ظرفیتهای جوامع محلی که به موفقیت در این زمینه کمک می‌کند.
- سازماندهی یک گروه متمرکز که پیشبرد فرایند را برعهده بگیرد.
- نقشه کردن^{۲۴} کامل ظرفیتهای و دارایی‌های افراد، انجمنها و نهادهای محلی
- ایجاد ارتباط بین دارایی‌های محلی برای حل مشکلات به صورت تعاملی در اجتماع محلی.
- بسیج کامل دارایی‌های اجتماع محلی برای توسعه اقتصادی و اهداف تسهیم اطلاعات^{۲۵}
- تشکیل جلسه یک گروه نماینده با هدف تهیه یک برنامه یا چشم‌انداز محلی
- نفوذ فعالیت، سرمایه‌گذاری و منابع از بیرون جامعه محلی برای حمایت از رویکرد دارایی مبنا.

(Mathie & Cunningham, 2002:4)

۴- ابزارهای توسعه دارایی مبنا

ABCD تاکید زیادی بر روابط اجتماعی انجمنها و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی، شبکه‌ها، خانواده‌های گسترده به عنوان دارایی و وسیله‌ای برای بسیج سایر دارایی‌های اجتماع محلی دارد. با احتساب روابط به عنوان دارایی، ABCD یک کاربرد عملی از مفهوم سرمایه اجتماعی می‌باشد. در حقیقت کلید اصلی ABCD

قدرت انجمنها و مشارکتهای محلی برای پیشبرد فرایند توسعه اجتماع محلی و حمایت از قوانین خاص در این زمینه است. (همان) کار با ساکنان محلی در برنامه ریزی اولین و مهم ترین مرحله در ایجاد جوامع محلی پایدار است. در رویکردهای جدید محله مینا، مسئله مهم شنیدن صدای ساکنان و توجه به نظرات آنها، اولویتها و ایده هایشان برای توسعه محل سکونتشان است. (www.Lga.gov.uk).

بدین منظور در ادامه به طور خلاصه به تشریح بیشتر ابعاد مختلف این داریی ها پرداخته می شود.

سرمایه اجتماعی

بر اساس تعریف بانک جهانی (1999) سرمایه اجتماعی نهادها، روابط و هنجارهایی است که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی جوامع را شکل می دهد. سرمایه اجتماعی زیر بنای تشکیل اعتماد، درک متقابل، و ارزشهای مشترک و رفتارهایی است که امکان اقدامات مبتنی بر تعاون^{۲۶} را برای اعضای شبکه و جوامع محلی فراهم می کنند.

پاتنام^{۲۷} (1993) معتقد است که همانند سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، واژه سرمایه اجتماعی به مشخصه هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه ها^{۲۸}، هنجارها^{۲۹} به ویژه هنجار مقابله به مثل^{۳۰} و اعتماد^{۳۱} که قابلیت بهره وری اجتماع را افزایش می دهند مربوط است. (Bullen&Onyx, 1999)

حمایت کنندگان فعال محلی بر این باورند که سرمایه اجتماعی (به عنوان داریی) به این دلیل مهم است که فرایندی برای تقویت متقابل می باشد. آنها استدلال می کنند که سرمایه اجتماعی برای ظرفیت سازی اهمیتی اساسی دارد زیرا مشکلات متعدد اجتماعات محلی فقیر، یکدیگر را تشدید می کنند و لذا شکلی از سازوکار برای مقابله اجتماعی ضرورت پیدا می کند. این فرایند به سه شکل اجتماعات محلی را یاری می دهد: تبادل اطلاعات، رابطه متقابل تعمیم یافته، و هنجارها و ارزشهایی که حافظ نظم اجتماعی هستند. سیاستهای نیاز مینا تا حدود زیادی این ابعاد را به علت بی اعتمادی شدید عمومی و تاکید بر پیامد نادیده گرفته است.

(عارفی، ۲۴: ۱۳۸۰)

در متون مرتبط با سرمایه اجتماعی بر چند موضوع مشترک تاکید شده است:

۱- مشارکت در شبکه ها^{۳۲}. نکته کلیدی این موضوع شبکه های به هم پیوسته متراکم یا نامتراکم از روابط میان افراد یا گروه هاست. مردم از طریق سلسله مشارکتهای جانبی با یکدیگر

پیوند می خورند. این مشارکتهای باید داوطلبانه و برابر باشد. سرمایه اجتماعی با اقدامات انفرادی اشخاص تولید نمی شود و به عواملی مانند گرایش به اجتماعی بودن، ظرفیت برای ایجاد همکاری های جدید و شبکه ها وابسته است. (Bullen&Onyx, ۱۹۹۹) در یک تعریف کلی شبکه به صورت یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد شکل می گیرد. به عبارت دیگر می توان گفت یک شبکه گروهی از عاملان است که در هنجارها یا ارزشهای فراتر از ارزشها و هنجارهای لازم برای داد و ستد متداول در بازار، مشترک هستند. (شارع پور، ۵۸: ۱۳۸۵)

۲- هنجارهای اجتماعی هنجار اجتماعی نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی و معمولاً نانوشته است و تعیین کننده الگوهای رفتاری مورد انتظار از اعضای شبکه در یک جامعه است. از نظر پاتنام مهمترین هنجار اجتماعی هنجار معامله به مثل است. (همان: ۶۱)

۳- معامله به مثل. سرمایه اجتماعی بر مبادلات حساب شده رسمی و فوری که جنبه قانونی و تجاری داشته باشد دلالت ندارد. بلکه ترکیبی از نوع دوستی و ایثار کوتاه مدت و خودخواهی بلند مدت است. افراد خدماتی را برای دیگران فراهم می کنند و برای کسب سود دیگران از خود هزینه می کنند در مقابل این انتظار وجود دارد که این نوع دوستی در یک زمان تعریف نشده آینده هنگام نیاز به آنها برگردد. در اجتماع محلی که معامله به مثل قوی است. مردم مراقب منافع یکدیگر هستند. (Bullen&Onyx, 1999) مهم ترین سودمندی هنجار معامله به مثل تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است.

۴- اعتماد مستلزم میل به ریسک کردن در یک بافت اجتماعی مبتنی بر اساس اطمینان است که دیگران آن گونه که انتظار می رود واکنش نشان خواهند داد و به روشهای حمایت کننده متقابل عمل خواهند کرد یا در نهایت اینکه دیگران قصد رساندن آسیب را ندارند.

پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت می داند. اعتماد همکاری را تسهیل می کند و هر چه اعتماد در جامعه ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. از نظر او هر چه تعامل میان افراد بیشتر باشد آنها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می آورند و انگیزه های بیشتری برای اعتماد پیدا می کنند. (جاجرمی، ۳۸: ۱۳۸۰)

مشارکت محلی

مشارکت محلی^{۳۳} به معنی بعضی از اشکال دخالت دادن مردم با نیازها و اهداف مشابه در تصمیماتی است که زندگی آنها را متاثر می‌سازد. آبرامز^{۳۴} مشارکت محلی را نظریه‌ای می‌داند که بر اساس آن باید به مردم محلی نقش فعالی در برنامه‌ها و سیاستهای توسعه که مستقیماً آنها را متاثر می‌سازد داده شود. به علاوه از آنجایی که هیچ دولت یا قدرتی ابزارهای لازم برای حل همه مشکلات را ندارد درگیر نمودن مردم در موضوعات مربوط به خودشان امری ضروری است.

نظریه پردازان اخیر، نظریه مشارکت را توسعه داده و متحول کرده‌اند تا به نظریه شراکت^{۳۵} رسیدند. شراکت اجتماع محلی ساکنان را از یک طرف و مسئولین و تصمیم سازان را از طرف دیگر در سطح واحد همسایگی گرد خواهد آورد تا توسعه، بازبینی و به روز رسانی برنامه‌ها تضمین شود. دستاوردهای برنامه‌های مشترک با ساکنان یک راه مؤثر برای خودکفا ساختن اجتماعات محلی است. (www.Lga.gov.uk)

ساز و کار اساسی برای ظرفیت سازی توسعه شراکت (مشارکت واقعی) است. به عبارتی طراحی فعالیتهایی که اجازه برنامه ریزی و حل مشکلات را به صورت همکارانه و مشارکتی می‌دهند یکی از مراحل کلیدی ظرفیت سازی است. شراکت فقط در تنظیم اولویتها و نقطه نظرات برای محله دخیل نخواهد بود بلکه می‌تواند در تشویق ساکنین برای کمک در امر اجرا و بازبینی اولویتها و اقدامات مؤثر باشد. در شروع این فرایند به حمایت نیاز است تا در نهایت جامعه محلی را به سمت استقلال رو به رشد حرکت داده و پایداری را به طور موثری افزایش دهد. (همان)

از نظر پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی نظیر انجمنهای شکل گرفته در نظام همسایگی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و نظیر آنها از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی اند. به اعتقاد او هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتر وجود دارد که

شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. همچنین هر چه ساختار سازمانی افقی‌تر باشد، موفقیت نهادی آن در اجتماع بیشتر است. (جاجرمی، ۳۷: ۱۳۸۰)

تلاشها برای تقویت جامعه مدنی با دو مقوله مرتبط است: ارتقاء حکمرانی پاسخگو^{۳۶} و تشویق تصمیم سازی مشارکتی برای توسعه. در سطوح محلی، تصمیم سازی مشارکتی^{۳۷} به دو مورد وابسته است: (۱) افزایش ظرفیت افرادی که از جریان تصمیم سازی کنار گذاشته شده‌اند.

(۲) ایجاد ساز و کارهای اداری (نهادی) برای آگاهی از نظرات و پیشنهادات آنها.

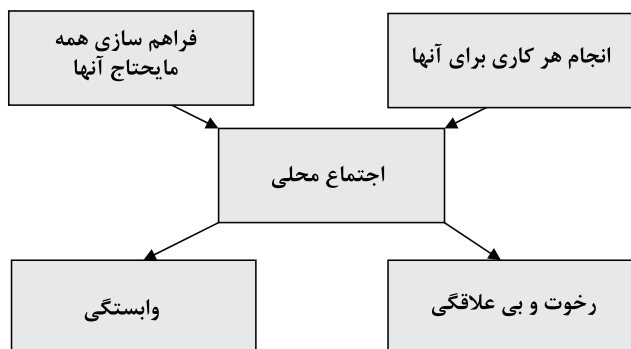
ادواردز (1999) استدلال می‌کند که جامعه مدنی یک نقش حیاتی در «مردمی کردن سرمایه داری» دارد. ۲ کارکرد مهم در این فرایند مردمی کردن وجود دارد:

■ پروراندن دارایی‌های اقتصادی و اجتماعی که در هر یک از اجتماعات محلی محروم وجود دارد.

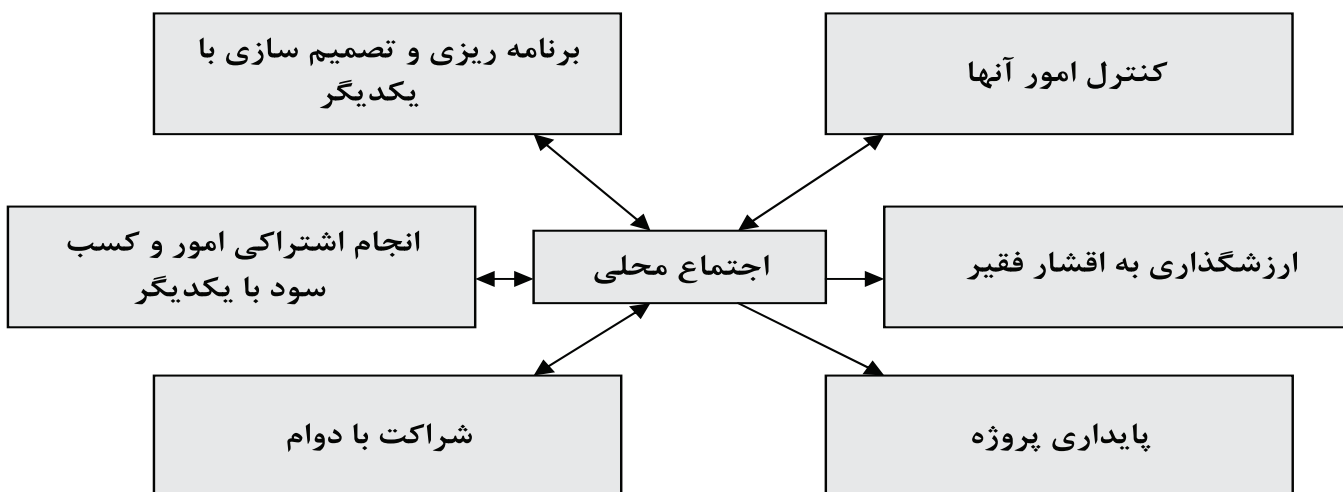
■ حمایت و حفظ پاسخگویی دولتها برای باز توزیع دارایی عینی بیشتر از طریق باز توزیع زمین، فرصتهای اشتغال، خدمات و تسهیلات عمومی برای اقشار محرومی که در این زمینه صاحب حق قانونی هستند. به علاوه از طریق مردمی کردن سرمایه داری جامعه مدنی می‌تواند دارایی‌های ملموسی تولید کند که مردم را قادر به چانه زنی و گفتگو در مورد منافعشان و ارتقاء آنها ساخته و در نهایت منجر به خوداتکایی، خلاقیت مردمی و استقلال فکری خواهد شد.

(Mathie & Cunningham, 2002: 16)

ردی^{۴۰} (2002) در کتاب خودش با عنوان «توانمند سازی جوامع محلی از طریق روشهای مشارکتی^{۴۱}» توضیح می‌دهد که در مدل بالا به پایین مشارکت، دولت تصمیم می‌گیرد و نیازها را فراهم می‌کند بنابراین یک حس وابستگی و بی‌علاقگی در میان مردم گسترش می‌یابد. شکل ۱.



شکل ۱- مدل بالا به پایین G.Narayana Reddy, 2002



شکل ۲- مدل شراکت، (G.Narayana Reddy, 2002)

ساماندهی بافتهای فرسوده یکی از چالشهای مهم در نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری است. این بافتها به علت فرسودگی در ابعاد مختلف از معضلات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند. وسعت قابل توجه این بافتها در اکثر شهرها و هزینه‌هایی که بر جامعه شهری تحمیل می‌کنند یک برنامه ریزی جامع و کارا در این زمینه به یک ضرورت تبدیل کرده است.

عمده طرحهایی که در سالهای گذشته به منظور حل معضلات بافتهای مسئله دار شهری در ایران تهیه شده‌اند به دلیل عدم توجه کافی به ظرفیتهای و نقاط قوت این بافتها و ساکنان آنها به تمام اهداف مورد نظر دست نیافته‌اند. این طرحها، بافتهای فرسوده را مکانهایی پر از معضل و ساکنان آن را افراد ناتوانی می‌بینند که از هیچ توانایی برای فعالیتهای توسعه‌ای برخوردار نیستند. نگاه صرفاً کالبدی این طرحها در گذشته باعث شد که سازمان اجتماعی موجود نادیده گرفته شده و در مرحله اجرا به دلیل عدم استقبال ساکنین با توفیق چندانی روبرو نشود.

توسعه دارایی مبنا با یک نگرش جدید، رهیافتی کارآمد در حل مسائل پیش گفته محسوب می‌شود. بر اساس مبانی این رویکرد بافتهای فرسوده علاوه بر نیازها واجد ظرفیتهایی هستند که زمینه را برای پیشرفت فراهم می‌کند. با توجه به اینکه این بافتها محله‌های قدیمی شهرها را تشکیل می‌دهند، سرمایه‌های اجتماعی موجود در آنها مهم‌ترین ظرفیت برای توسعه محسوب می‌شود.

آنچه که باید به عنوان بستر لازم برای کاربرد این رویکرد بر آن تأکید شود، انسجام بیشتر دارایی‌های محلی و فراهم کردن امکان رشد سازمانهای غیر دولتی NGOs^{۴۲} و سازمانهای محله مبنا

او یک آلترناتیو از طریق مدل پایین به بالا در قالب مدل شراکت مطرح می‌کند که دولتها و جوامع محلی با هم در امر برنامه ریزی و تصمیم سازی همکاری می‌کنند که نتایج بلند مدتی به دنبال دارد. (شکل ۲)

نتیجه گیری

با بررسی پیامدهای منفی رویکرد نیاز مبنا به عنوان یک رویکرد سنتی، توسعه دارایی مبنا در اجتماعات محلی به عنوان رویکرد آلترناتیو در این زمینه مطرح شد زیرا امروزه ایجاد هر گونه تغییر به منظور توسعه بدون توجه به ظرفیتهای موجود و نقش آفرینی گروه‌های ذی نفع ممکن نیست.

این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که اجتماعات محلی به خصوص انجمنها و گروههای مشارکتی در این اجتماعات باید فرایند توسعه را به پیش ببرند. در این میان نقش عوامل خارجی این است که دارایی‌های محلی و منابع را برای دستیابی به اهداف بسیج و سازماندهی کنند.

از انواع ظرفیتهایی که در اجتماعات محلی به عنوان ابزار توسعه وجود دارد می‌توان به استعدادهای شهروندان، انجمنهای مشارکتی و نهادهای محلی اشاره کرد. به طور کلی عنوان شد که توسعه دارایی مبنا به طور خاص از ظرفیتهایی استفاده می‌کند که ماهیت اجتماعی دارند و از خلال فرایندهای جمعی مانند مشارکت در شبکه‌ها و ارتباطات محلی شکل می‌گیرند.

در میان طرحهای توسعه شهری که در ایران تهیه و اجرا می‌شوند و به میزان قابل توجهی محلات شهری را متأثر می‌سازند، طرحهای

۴۳ CBOs و توجه ویژه به ظرفیتهای مشارکتی البته به معنای واقعی آن است. نهادهای دولتی محلی با کمک گروههای محلی نقش مهمی در توانمندسازی برای افزایش ظرفیت و کارایی اجتماعات محلی دارند.

پی نوشتها:

- ۱) Community
- ۲) Asset-based
- ۳) Capacity

۴) Asset-based community development

در مقاله حاضر برای واژه Community معادل اجتماع محلی در نظر گرفته شده است. این معادل هم مرسوم تر بوده و هم تا حد زیادی نشان دهنده ویژگیهای اجتماعی و غیر کالبدی محله و تمایز آن از مفهوم واحد همسایگی Neighborhood می باشد. البته به منظور رعایت امانت در بیان مطالب از منابع فارسی، عین واژه عنوان شده توسط نویسنده آورده شده است.

- ۶) Nick Wates
- ۷) Nabeel Hamdi
- ۸) Jan Lang
- ۹) Melvin Webber
- ۱۰) Esrael Et Al
- ۱۱) Need-based approach
- ۱۲) Client
- ۱۳) Top-down
- ۱۴) Outside-in
- ۱۵) Process-oriented
- ۱۶) Social capital
- ۱۷) Outcome-oriented
- ۱۸) Entitlement

سیاستی که نیازمندان را مستحق کمک از سوی دولت می داند و آنها را به نظام یارانه وابسته می سازد.

- ۱۹) Participatory approaches
- ۲۰) Individual
- ۲۱) Associations
- ۲۲) Institutions
- ۲۳) Community leadership
- ۲۴) Mapping
- ۲۵) Information sharing
- ۲۶) Co-operative action
- ۲۷) Putnam
- ۲۸) Networks
- ۲۹) Norms
- ۳۰) Reciprocity
- ۳۱) Trust
- ۳۲) Participation in network
- ۳۳) Community participation
- ۳۴) Charls Abrams
- ۳۵) Partnership
- ۳۶) Accountable governance
- ۳۷) Participatory decision-making
- ۳۸) Edwards
- ۳۹) Humanizing capitalism
- ۴۰) G. Narayana Reddy
- communities through participatory methods
- ۴۱) Empowering
- ۴۲) Non governmental organizations
- ۴۳) Community-based organizations

